

مدخلی بر شخصیت و تفسیر سوره

محمد عبد اللہیان

فضل و عظمت قرآن کریم موجب ماندگاری آن در طول زمان است و احکام آن همیشه باقی و جاودانه است و هیچ گاه از طراوت و تازگی آن کاسته نمی شود و همچون خورشیدی است که بر زندگی انسانها همواره نور و حیات می بخشد و هر زمان جلوه ای تازه و پیامی جدید دارد.

زیباترین و بهترین توصیف از حقیقت قرآن کریم در کلام امیرمؤمنان آمده است که می فرماید: «ثم انزل علیه الكتاب نوراً لا تطفأ مصابيحہ و سراجاً لا یخبو توقدہ، و بحراً لا یدرک قعرہ... و ینابیع العلم و بحورہ و بحر لا یتزفہ المستنزفون و عیون لا ینضبہا الماتحون و مناہل لا یغیضہا الواردون»^۱ فرو فرستاد بر پیامبر قرآن را نوری که چراغهای آن خاموش نمی شود و چراغی که افروختگی اش کاهش نپذیرد و دریایی که ژرفای آن کس نداند و چشمه سار دانش است و دریایی است که بر دارندگان آن آنرا خشک نگردانند و چشمه سارهاست که آب کشانندگان آن آنرا به ته نرسانند و آبشخورهاست که در آیندگان آب آنرا کم نکنند.

و نیز می فرماید: «و ان القرآن ظاہرہ انیق و باطنہ عمیق، لا تفتنی عجائبہ و لا تنقضی غرائبہ و لا تکشف الظلمات الا بہ»^۲ ظاهر قرآن زیباست و باطن آن ژرف ناپیدا است عجایب آن سپری نگردد. غرایب آن به پایان نرسد و تاریکی ها جز بدان زوده نشود.

از شگفتی های قرآن اینست که با اینکه در معرض کاوش و فهم همگان است، در همه عصرها و برای همه نسل ها حقایقی تازه و مطالبی نو عرضه می دارد و چه بسا که پس از

گذشت قرن‌ها از تحقیق در قرآن، انسانها به مطالبی برسند که بفهمند هر آنچه در باب قرآن گفته شده است در مقابل آنچه که هنوز ناگفته مانده است. بسیار اندک و ناچیز بوده است. بحث «شخصیت و تفسیر سوره» یکی از بحث‌های است که انسان را در سرفصلی جدید و جهانی دیگر و در برابر دریایی از حقایق و معارف بی‌کران قرآن کریم قرار می‌دهد و می‌توان گفت باب عظیمی است در راه شناخت علوم و معارف قرآن که هزار باب علم و دانش از آن گشوده می‌گردد و در جهت فهم قرآن، انسان در جایگاهی برتر و منظر نو قرار می‌گیرد و بسیاری از مطالب و تحقیقات گذشتگان را دچار تزلزل می‌کند و فهم آن می‌تواند محوری برای برداشتهای تازه از قرآن کریم گردد.

از این روی و با توجه به اهمیت و آثار فراوان این بحث گسترده و با ارزش، جوانب آن را در چند بحث ذیل در مقابل بینش خوانندگان گرامی قرار می‌دهیم.

۱. طرح و تعریف
۲. دلایل و شواهد
۳. نتایج و آثار
۴. تفسیر سوره
۵. جایگاه آن در علوم

طرح و تعریف

از ویژگی‌های آشکار قرآن کریم آنست که آیات آن توسط سوره‌ها تقسیم و تقطیع گردیده است و آنطور نیست که آیات آن از آغاز تا انجام پی در پی و بدون فاصله آماده باشد بلکه هر دسته از آیات تحت نام سوره‌ای خاص گروه بندی شده‌اند که حدود ۶۲۳۶ آیه تحت عنوان و نام ۱۱۴ سوره دسته بندی گردیده‌اند و تقسیم بندی بدین شکل خصوصیتی است که در سایر کتب آسمانی مانند تورات و انجیل مشاهده نمی‌شود.

در جدا سازی آیات قرآن کریم، آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحیم» نقش اساسی دارد و در حقیقت تشکیل دهنده سوره‌ها محسوب می‌شود و وجود آن، بین آیات به واقع اعلان پایان سوره و آغاز سوره‌ای دیگر است و این آیه شریفه تعیین کننده حد و مرز سوره‌هاست، به طوری که اگر از آغاز سوره‌ها برداشته شود چه بسا دیگر نشانه و مشخصه‌ای از وجود سوره‌ها باقی نماند.

روشن است که سوره‌های قرآن کریم، از نظر تعداد آیات بسیار متفاوت است. و انسان

با دقت و سنجش آنها با یکدیگر دو خصوصیت عمده را مشاهده می کند.

۱. سوره ها از نظر تعداد آیات، کوتاهی و بلندی، لحن و آهنگ گفتار، سبک و سیاق الفاظ، مشتمل بودن بر مواعظ و معارف، تشویق و تحذیر، خطاب و عتاب، هدایت و بشارت، اجمال و تفصیل یکسان نیستند، بلکه کاملاً با هم فرق دارند و از این نظر هیچ دو سوره ای را نمی توان یافت که یکسان بلکه مشابه باشند.

۲. سوره ها مانند فصلها و بابهای کتاب نیستند زیرا در کتابها هر فصل و بابی به توضیح و تبیین موضوعی اختصاص دارد و تمام گفتار پیرامون آن تمرکز پیدا می کند، و لکن در سوره ها از این سبک پیروی نشده و آیات سوره ها نوعاً مطالب گوناگون و موضوعات متنوعی را جلوی چشم تلاوت کننده می گذارد و فردی که سوره ای از قرآن را می خواند با صحنه های گوناگون خود را مواجه می بیند، زیرا قرآن کریم نوعاً در سوره ها از مطالبی مانند: دنیا و آخرت، انسان و جهان، مبدأ و معاد، قصص انبیا، بهشت و جهنم، موعظه، نماز، زکات، حج و ... جز آن سخن به میان می آورد.

اکنون با توجه به مطالب یاد شده چند سؤال و مطلب اساسی به میان می آید:

۱. حکمت تعیین سوره ها و اینکه خداوند حکیم چه مصلحت و مقصودی را در تقسیم بندی آیات بر اساس سوره ها قرار داده است؟
۲. رمز و راز تفاوت سوره ها و این که چرا سوره ها در خصوصیات با یکدیگر فرق دارند؟
۳. مطالب متنوع در سوره و اینکه چرا در یک سوره به مطالب گوناگون پرداخته می شود.

برخی در صدد پاسخ بر آمدند و گفتند: اختلاف سوره ها، به اسباب نزول و حوادث و مخاطب های گوناگون قرآن کریم در صدر اسلام، مربوط می شود، بنابراین چون سوره ها از زمینه های مختلفی برخوردار بوده اند به طور متفاوت نازل گشته اند.

لکن این گفته پاسخی اساسی برای سؤالهای فوق نیست زیرا اولاً دانشمندان علوم قرآن در بحث اسباب نزول یاد آور شدند که همه آیات و سوره های قرآن کریم دارای شأن نزول نیستند، بلکه بسیاری از آیات و سوره ها بدون اینکه حادثه خاصی موجب شده باشد، به گونه ابتدایی و به منظور هدایت انسانها نازل گردیده اند و مهم تر اینکه قرآن کریم پیامی است جاودانه برای همه عصرها و نسلها و خورشیدی است تابنده و ماندگار در طول زمان، لطائف و دقائق نهفته در تفاوت آیات آن را نمی توان صرفاً به حل مشکلات و حوادث صدر

اسلام مربوط و منحصر دانست و علاوه اینکه این پاسخ تنها می تواند تفاوت سوره ها را تا اندازه ای توجیه کند و اما در جهت اینکه چرا اساساً آیات قرآن کریم تحت عنوان «سوره» قرار گرفته اند پاسخی ارائه نمی کند.

با توجه به مطالب یاد شده لازم است پاسخ اساسی و گفتار گره گشا را بیان داشت که عبارت است از شناخت «شخصیت مستقل سوره» که به نظر می رسد توجه و دریافت آن، کلید حل مشکلات بسیار و نیز ابهامهای یاد شده، باشد زیرا این بحث درب ورود به دهها مطلب بلند و نفیس در باب فهم معارف قرآن می باشد. ما در این نوشتار که مقدمه و مدخلی بر آن بحث عظیم و گسترده است، در صدد آنیم که تصویری از جوانب بحث «شخصیت و تفسیر سوره» ارائه دهیم با اعتقاد به اینکه این گفتار و نوشتار گامی است در راهی که رو به افق بی کران دارد.

مقصود از «شخصیت سوره» این است که در هر سوره غیر از مطالب و مفاهیم آیات آن، یک یا چند مقصد کلی و پیام اساسی وجود دارد که همه آیات آن در راستای تحقق بخشیدن به آن اهداف و مقاصد، تنظیم و نازل گشته اند که بنابراین هر آیه دارای دو رسالت است :

۱. القاء مفهوم

۲. تحقق اهداف

در هر سوره نیز دو پیام است: ۱. پیام آیه ۲. پیام سوره و پیام سوره، پیام برتری است که روح و شخصیت اصلی آیات را تشکیل می دهد که چهره آن را به طور آشکار در آیات می توان مشاهده کرد. و همان پیام سوره است که همه آیات را تحت تأثیر قرار داده و بر آنها پرتو افکنده و به آنها جهت و همسویی بخشیده است که هر سوره پرتوی دارد در آیات و آیات روی دارند جانب سوره و با دقت می توان اظهار کرد که پیام سوره، جان، روح، هدف، مقصد و مقصود آیات هستند. و شخصیت سوره را می توان به شخصیت انسان تشبیه کرد. همانطور که انسان از روح و بدن تشکیل شده و شخصیت و هستی او را نمی توان به پیکر ظاهری منحصر دانست و روح انسان است که حقیقت و شخصیت او را می سازد و همان روح است که دوام، حیات، رشد و چگونگی اعضا و اندام را تضمین و تأمین می کند، در سوره های قرآن کریم هم باید گفت هر سوره را نمی توان منحصر به آیات دانست و پیام آن را فقط در آیات جست و جو کرد، بلکه سوره خود دارای پیام و شخصیتی است که هستی سوره و روح کلی و پیام اصلی آیات را تشکیل می دهد. و همان روح حاکم و

حقیقت برتر است که با سریان و جریان در آیات بین آنها پیوند ذاتی و سنخیت اصلی ایجاد می کند و آنها اعضاء و اندام یک پیکره قرار می دهد .

همچنانکه غفلت از روح و شخصیت در انسان ، اعضاء ظاهری را به اجزایی پراکنده و اعضایی متفرق و گسسته تبدیل می کند، در سوره ها نیز عدم توجه به پیام اصلی ، رکن اساسی و پیوند دهنده آیات را از بین می برد و آنها را به مجموعه ای متفرق و پراکنده مبدل می سازد . غفلت از این حقیقت و محور و مدار آیات بوده است که خاور شناسان را به اشتباهی خطرناک و داشته است که در باب قرآن تصور و اظهار کرده اند که : قرآن کریم مجموعه ای است از مطالب پراکنده و از هم پاشیده و پریشان که تحت عنوان سوره ها گرد آمده است .

روشن است که این اظهار نظر آنان ، از نگاه عجبولانه و سطحی به ظاهر آیات و عدم اطلاع و دقت کافی در اهداف و مقاصد سوره ها ، ناشی شده است زیرا اگر آنان به پیام اصلی سوره توجه می کردند و می دانستند که در هر سوره رشته هماهنگ کننده وجود دارد با مکشوف شدن آن دیگر هیچ گونه پراکندگی بین موضوعات مطرح شده در یک سوره باقی نمی ماند . و آنگاه مشاهده می شد که با جلوه گر شدن چهره اصلی سوره ، چگونه آیات سوره به مجموعه ای منسجم و همصدا مبدل می شوند که با دقیق ترین ارتباط و گزینش در کنار هم قرار گرفته اند تا برای تحقق اهداف سوره کار کنند . واضح است مجموعه ای را که در راستای هدفی هماهنگ حرکت می کنند نمی توان پراکنده و گسیخته خواند و آنها را غیر مرتبط دانست .

اکنون با توجه به «شخصیت سوره» ، به سادگی می توان به پاسخ صحیح و توجیه واقعی در ارتباط با «حکمت تعیین سوره ها و تفاوت آنها» دست یافت ، زیرا خداوند متعال آیات هماهنگ و مناسب را در یک سوره آورده است تا اهداف و مقاصد سوره را تحقق بخشند که در واقع وجود اهداف گوناگون و عینیت بخشیدن به آنها از طریق آیات ، موجب پیدایش سوره ها و تفاوت آنها گردیده است و خداوند حکیم با کمال علم و عنایت ، واژگان و آیات سوره را به بهترین صورت مناسب و با هدف واحد انتخاب کرده و آنها را در کنار هم قرار داده است .

بنابراین تفاوت آیات در کوتاهی و بلندی ، سبک و سیاق الفاظ ، لحن و آهنگ گفتار ، به ارتباط آنها با اهداف متفاوت مربوط می شود و دقت در چگونگی ارتباط بین آیات و اهداف آنها می تواند انسان را به وجهی دیگر از وجوه اعجاز قرآن کریم رهنمون گردد که

چگونه خداوند با قدرت فوق تصور چنین تناسب و ارتباط دقیق بین آیات و شخصیت سوره بر قرار کرده است. متأسفانه تاکنون به این وجه اعجاز قرآن، در طول زمان و تاریخ تحقیقات قرآنی چندان پرداخته نشده است و جای دارد که با ابزارهای مناسب، این اعجاز کشف و در معرض شناخت و دید عاشقان قرآن و جهانیان قرار گیرد.

دلایل و شواهد

گرچه این مطلب روشن و بی نیاز از استدلال است و نظم و نظام آیات، دلیل محکمی بر وجود اهداف و مقاصد سورهاست. لکن جهت افزایش بصیرت، شواهدی را برای شخصیت سوره ها می توان یاد آور شد.

۱. ترتیب آیات: هر چند در باب توقیفی بودن «ترتیب سوره ها» اتفاق نظر وجود ندارد و دانشمندان علوم قرآن در این باب آراء گوناگونی ابراز داشته اند و لیکن از صدر اسلام تا کنون در توقیفی بودن «ترتیب آیات» هیچ گونه اختلافی ابراز نشده است و همگی به اتفاق نظر ترتیب آیات را توقیفی و با تعیین و دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته اند، زیرا جبریل هر گاه آیه ای را بر پیامبر می خواند جای آن را در بین آیات و سوره ها مشخص می کرد و پیامبر گرامی با عنایت و دقت کامل بر کاتبان وحی می خواندند و دستور می دادند که آن آیه را در کدام سوره و بین کدام آیات بنویسند، بنابراین جبریل از جانب خداوند فقط آیه را فرود نمی آورد، لکن همراه آیه، دستور مکان و جای آیه را نیز مشخص می کرد.

مطلب فوق نشان دهنده آنست که هر آیه ضمن ارتباط با آیات قبل و بعد، با کل سوره نیز در ارتباط است و در حقیقت عضوی است که با سوره پیوند کامل و ناگسستی دارد.

۲. «بِسْمِ اللَّهِ» در آغاز سوره ها: آیه شریفه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» از مهم ترین آیات آسمانی است که در متون دینی توصیه کرده اند که هر کاری را با آن آغاز کنید و از آن در روایات ائمه علیهم السلام به عنوان «با عظمت ترین آیه در قرآن کریم»^۳ و نیز «گرامی ترین آیه»^۴ یاد شده است و نیز پیامبر می فرمایند: «خداوند با نازل کردن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مرا بر پیامبران دیگر برتری داده است»^۵

حضرت امیر علیه السلام از پیامبر نقل فرمودند که خداوند فرمود: «هر کار مهمی که با بسم الله آغاز نشود ناقص و بی نتیجه خواهد بود.»^۶

این آیه شریفه که به عنوان آغاز گر کارها است در قرآن کریم هم در آغاز سوره ها نازل شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: انما كان يعرف انقضاء السورة بنزول بسم الله الرحمن الرحيم ابتداءً للأخرى^۷ «پایان یافتن هر سوره با نزول بسم الله در آغاز سوره جدید شناخته می شد» .

بنابراین کلمه شریفه «بسملة» شاخصه اصلی و حد و مرز تعیین سوره‌هاست و برای این جدا سازی آیات، با «بسم الله» و ساختن سوره‌ها، هیچ وجه موجهی را نمی توان یاد آور شد جز اینکه هر بسمله در آغاز سوره را، آغاز پیام جدید و شخصیت مستقل سوره، بدانیم، و این تنها وجه دلپذیر و قانع کننده ایست که نمی توان به آن خدشه وارد کرد و از آن به سادگی گذشت .

۳. آیات آغازین سوره‌ها: اگر نگاهی گذرا به آیات اول سوره‌ها داشته باشیم، به خوبی در می یابیم که آنها مطلب نو و پیام جدیدی را آغاز کرده اند و نمی توان مفهوم و محتوای آنها را ادامه آیات سوره پیشین دانست و این خود شاهد و دلیل قابل توجهی است بر اینکه آیات سوره‌ها، محوری مخصوص به خود دارند و در پی آیات سوره قبل نیستند و توجه به حروف مقطعه در آغاز برخی سوره‌ها، بر استواری این دلیل می افزاید، زیرا حروف مقطعه جدایی کامل آیات یک سوره را از سوره بعد آشکار می سازد .

۴. تفاوت آیات سوره‌ها : چنان که پیش از این یاد آور شدیم تفاوت آیات سوره‌ها از جهت لحن و آهنگ ، کوتاهی و بلندی، اندازه، شدت و نرمی، مخاطب و دعوت ، مطلب روشنی است که با اندک توجه و سنجش می توان دریافت و این تفاوت به گونه ای است که هر سوره را منحصر به فرد کرده که خصوصیت آن در هیچ سوره دیگر مشاهده نمی گردد. این ویژگی های انحصاری هر سوره، شاهد متقنی است بر وجود پیامی ویژه در آن سوره، مانند تفاوت های فردی و شخصی در انسانها که حکایت می کند هر فرد دارای شخصیت و منش مخصوص به خود است و چون علت و اساس رفتار ظاهری در شخصیت فرد نهفته است بدون توجه به آن، هرگز نمی توان رفتارهای گوناگون شخص را توجیه علمی و منطقی کرد .

در سوره‌ها نیز تفاوت آیات را بدون در نظر گرفتن محور و رشته اصلی نمی توان توجیه منطقی کرد. روی این جهت گوناگونی آیات در سوره‌ها دلیل آن است که آیات هر سوره در تعقیب پیامی است که با پیام سوره دیگر متفاوت است .

۵. نام ، ثواب و اثر: موجودات جهان به تناسب طبیعت خاصی که دارند هر یک دارای اثر و خاصیت مخصوص به خود هستند ، مانند اینکه آتش منشأ حرارت است و آب

علت برودت .

انسان برای اینکه بتواند مسأله نقل و انتقال اطلاعات و معلومات و فهماندن و فهمیدن را به سهولت انجام دهد، نام گذاری اشیاء و موجودات را به میان آورده است که برای هر موجود همراه خاصیت و اثر و طبیعت مخصوص، نامی معین کرده است که روی این جهت نامهای گوناگون در موجودات مختلف بر مشخصات متفاوت دلالت دارد.

نسبت به سوره های قرآن کریم این مطلب به طور آشکار مشاهده می شود که برای هر یک از سوره ها، آثار و خاصیت دنیوی و ثواب اخروی می باشد و نیز هر یک از ۱۱۴ سوره قرآن کریم نامی خاص دارند و نام گذاری همراه با ذکر ثواب و خاصیت دلیل و شاهد استواری است بر وجود ممتاز و شخصیت مستقل سوره های قرآن کریم .

نتایج و آثار

انسان همواره از مباحث کم نتیجه پرهیز می کند و این گونه مباحث در طول تاریخ تحقیقات، به دست فراموشی سپرده می شود، بنابراین اهمیت و عظمت مطالب در گرو نتایج و گستردگی آثار آن است و از این لحاظ با توجه به نتایج عملی مبحث «شخصیت سوره»، انسان به جاذبه و کشش آن آگاه می شود و با کاربرد صحیح آن، از ثمرات آن بهره مند می گردد از این رو آثار و نتایج این بحث مهم، در معرض بینش اندیشوران مباحث قرآنی قرار می گیرد.

۱. فضای واژگان: هر لفظ در محاوره دارای دو محتواست. ۱. مفهوم. ۲. معنی.

مقصود از مفهوم همان معنی انفرادی لفظ است که در لغت و عرف بیان می گردد و منظور از معنی، آن اثری است که از لفظ در ذهن شنونده به جای می ماند و مقصود گوینده از القاء کلام می باشد و نوعاً چنین تصور بشود که مفهوم و معنی یک چیزاند، با اینکه مفهوم، محتوی لفظ، جدای از مقارنات است و معنی، اثر بجای مانده در ذهن شنونده، با توجه به فضا و آمادگی های خاص ذهنی و روحی است. از این رو با اینکه یک لفظ یک مفهوم بیش تر ندارد، دارای معانی کاربردی بسیاری است که به تناسب جاهای استعمال لفظ و فضاهای روحی شنونده و هدف گوینده معین می شود. از باب نمونه واژه صبر، ایمان و تقوا و امر به آنها درباره شخص فقیر، غنی، جوان، پیر، بخیل و سخاوتمند یک نوع اثر به جای نمی گذارند و به تناسب فضای مقارن و آمادگی های گوناگون، اثرهای متفاوت دارند.

مثلاً امر به ایمان درباره فقیر این اثر را دارد که دنیا را تنگ و تاریک نبیند و خداوند را روزی رسان بداند و در باره ثروتمند این اثر را دارد که از مال خود بذل و بخشش کند و هیچ گاه به بخل و مال اندوزی نپردازد.

بنابراین فضای روحی و شرایط ذهنی مخاطب، در اثر و معنی لفظ دخالت تمام دارد. شرایط و آمادگیهای مخاطب دو نوع است:

۱. شرایطی که از فضای جامعه و زندگی شخص ناشی می شود.
۲. شرایطی ذهنی و آمادگی روحی که گوینده با کلام خویش در شنونده ایجاد می کند.

در فرض دوم، یک واژه که در اول سخن گفته شود ممکن است اثری نداشته باشد و همان واژه در اثنای گفتار ممکن است تأثیر خاصی را بجای گذارد. بنابراین موقعیت کلام می تواند روی معنای کاربردی لفظ تأثیر کامل داشته باشد زیرا معنای واژه منحصر در مفهوم لغوی و عرفی نیست، بلکه اثری است که از احاطه شرایط و قصد گوینده در ذهن شنونده پیدایش می یابد و بدین جهت می توان گفت معنی لفظ را هیچ گاه از لغت نمی توان به دست آورد، بلکه دارای وجود جمعی است که با نظر به کلمات قبل و بعد، فضا و جو احاطه گر، می توان آن را کشف و بیان کرد.

از این مطلب نتیجه می گیریم که یک لفظ با اینکه یک مفهوم بیش ندارد ولی به تناسب فضای القا شده، معنای گوناگون از آن به دست می آید.

قرآن کریم نیز مفهوم منفرد و جدای از سایر مقارنات القا نمی کند، بلکه در قرآن الفاظ ضمن آیات و آیات با نظم دقیق در سوره ها قرار گرفته اند هر سوره نیز حامل پیامی است که آن پیام، مانند جو و هاله ای پیرامون الفاظ را گرفته است و به مفهوم آنها طراوت و حالتی دیگر بخشیده است. و از اینجا می توان فهمید که چگونه کشف و درک «هویت و شخصیت سوره» می تواند الهام بخش معنی اصلی الفاظ و هدایت گر به معنی واقعی واژگان باشد. زیرا معنی الفاظ را در ارتباط با فضای پیرامون واژه و هدف گوینده از القاء واژگان پی می بریم و فضای پیرامون کل واژگان سوره را در می یابیم و بدین سان به معنای واقعی الفاظ نزدیک می شویم و بر مفسر قرآن کریم است که با آگاهی کامل از فضای احاطه گر سوره، به تفسیر الفاظ بپردازد تا هر لفظ اثر مقصود خود را در جانها به جای گذارد.

نوع مفسران به جهت اینکه به ترسیم و تصویر پیام اصلی و فضای سوره پرداخته اند از

تبیین معنی اصلی واژگان دور مانده اند و هر چه مفسر قرآن کریم در ترسیم چهره اصلی سوره ها استادی و زبر دستی به کار برد در فهم و دریافت معنی آیه توفیق بیشتری حاصل خواهد کرد.

معنی واژگان قرآن کریم را مانند رویدادها و حادثه های اجتماعی می توان دانست، همان طور که حادثه و رویداد اجتماعی را با توجه به شرایط زمان و مکان و جو اجتماعی می توان تجزیه و تحلیل و تفسیر کرد و به رمز و راز، علل وقوع و نتایج و آثار آن پی برد و هیچ گاه نمی توان در حوادث اجتماعی به طور مجرد، به ژرفا و عمق آن نظر افکند زیرا رفتارها و رویدادهای اجتماعی نوعاً تحت تأثیر و انعکاس شرایط و برخاسته از حال و هوای محیط هستند و به تعبیر دیگر رویداد، نهاد جمعی و در ارتباط با رخدادهای دیگر است و در قرآن کریم باید گفت واژگان نیز هیچ گاه بدون توجه به فضای احاطه گر سوره و آیات قبل و بعد، معنی کامل خود را به دست نمی دهند و در واقع معنی الفاظ برابندی است از فضای موجود در سوره و آن سوره است که فضای اصلی واژگان را می سازد و از اینجا دشواری کار تفسیر و نقص ترجمه ها و اندازه بهره آنان از حقیقت و عدم امکان ترجمه واقعی و اینکه واژگان حامل یک معنا در همه جا نیستند، آشکار می گردد.

در اینجا یاد آور می شویم که تصور و تصدیق این مطلب نیاز به تفکر عمیق و تتبع کامل دارد و در بدو امر مطلبی دور از ذهن می نماید و نیاز به بیان افزون و ذکر شواهد دیگری احساس می شود و چون مجال گفتار بیشتر نیست، تفکر افزون و تأمل بیشتر را به اندیشه و حوصله و تحقیق پژوهشگران قرآنی واگذار می کنیم.

۲. ارتباط سوره ها: برخی از مفسران «ترتیب سوره ها» را توقیفی و به فرمان پیامبر می دانند و از این رو در تفسیر قرآن کریم بین آیات پایانی سوره قبل و آیات آغاز سوره بعد، نکات ربط و وجوه مناسبت بیان می کنند اینک سخن این است که با تصور و قبول «شخصیت سوره»، دیگر تنها پیوند و ارتباط را بین آیات نباید بیان کرد بلکه می بایست نکات ارتباطی را در پیام مجموعی دو سوره نیز نشان داد. زیرا بیان مناسبت بین آیات پایان و آغاز دو سوره، بیان ارتباط بین آیات است نه بیان ارتباط و مناسبت بین دو سوره. مانند اینکه در مشابهت بین دو فرد فقط به بیان مشابهت دو عضو آنها مانند چشم، سروصورت آن دو اکتفا کنیم. از این رو در پیوند دو سوره لازم است بعد از آنکه مفسر، تفسیر یک سوره را به پایان رساند و در صدد تفسیر سوره بعد برآمد، پیام و اهداف اصلی دو سوره را نشان دهد و آن وقت روشن کند که چرا آن سوره با محتوای اساسی خود سابق بر این سوره تنظیم

شده است. و آن گاه است که مفسر توفیق یافته با چنین بیانی، به تفسیر و ربط پیام و محتوای کلی دو سوره پردازد.

۳. پیوستگی آیات و سوره: احاطه و اشراف روح اصلی سوره بر پیکر و اندام آیات، الهام بخش این نکته است که مفسر قرآن کریم نباید آیات را منفرد و مجزا و جدای از چهره اصلی ببیند و لازم است در چهره آیات ظهور و بروز آن پیام کلی را نشان دهد و پیوند آیه با سوره را همواره مد نظر داشته باشد. بنابراین می بایست پیام سوره اساس فهم آیات تلقی شود و آیات در راستای تحقق هدف، تفسیر و تبیین گردد.

۴. کتاب هدایت و سازندگی: قرآن کریم انسان را به حیات ابدی و سعادت سرمدی هدایت می کند و معرفت و حکمت را برای انسان به ارمغان می آورد و نشانه های خدا را بر او می خواند و نجات انسان را از جهل و سرگردانی، ظلم و ظلمت، گناه و تیره بختی، هدف رهایی بخش خود قرار داده است. قرآن دستور زندگی و چراغ هدایت است و کتاب حرکت، نهضت و ناظر بر معیشت فردی و جمعی انسان است و چنین کتاب بزرگی را هیچگاه نباید به کتابی صرفاً علمی و آکادمیک تبدیل کرد و دور از هدایت و زندگی انسانها دید و مفاهیم آن را خشک و بی روح تفسیر کرد.

از نتایج مهم «توجه به شخصیت سوره»، این است که بعد سازندگی و هدایت گری قرآن کریم در تفسیر آیات بروز و ظهور پیدا می کند زیرا در این صورت آیات هدف دار و حرکت آفرین تفسیر می شوند و آنگاه است که مفسر خود را با روح قرآن نزدیک احساس می کند.

۵. قلمرو دین: یکی از بحث های مهم در میان اندیشوران این است که دین برای چه اهدافی آمده است و هدف نهایی آن چیست و در چه زمینه ای کاربرد و دستور دارد و قلمرو آن تا کجاست؟ و چه امری را از آبادانی دنیا، آخرت، سیرو سلوک، معنویت، هدایت جمعی و فردی، رساندن انسان به بهشت، نجات از جهنم و یا لقاء پروردگار، می توان از دین متوقع بود که آن را تأمین کند و برای آن دستور و فرمان صادر کند.

یکی از نزدیک ترین و مطمئن ترین راه های رسیدن به قلمرو دین، مطالعه در اهداف سوره هاست زیرا قرآن کریم سرچشمه جوشان و اصلی دین است و با کشف، استنباط و استخراج اهداف سوره ها و طبقه بندی آنها به قلمرو واقعی دین می توان دست یافت. آنگاه است که ابراز عقیده در قلمرو دین از روی حدس و گمان نیست و با مطالعه و مشاهده عینی اهداف سوره ها قلمرو دین با اطمینان کشف و ابراز می گردد.

تفسیر سوره

با دقت در مطالب یاد شده، برای قرآن کریم دو نوع تفسیر می‌توان نام برد:

۱. تفسیر آیه: در تاریخ تفسیر، برای آیات قرآن کریم به دو سبک و شیوه، تفسیر

نگاشته شده است ۱. تفسیر ترتیبی ۲. تفسیر موضوعی

تفسیر ترتیبی آن است که آیات به ترتیبی که در قرآن کریم هستند پی در پی تفسیر و تبیین گردند و غالب تفاسیر بدین روش تألیف یافته‌اند. و تفسیر موضوعی آن است که آیات مربوط به معارف و موضوعات دینی گردآوری شود و معنی و مفهوم آنها آشکار گردد و هر دوی این دو سبک تفسیری در محدوده تفسیر آیات اند که مفسر با بیان مفهوم الفاظ و شأن نزول و توضیحات دیگر به رفع ابهام از معنای آیه می‌پردازد.

۲. تفسیر سوره: مقصود از تفسیر سوره، این است که مفسر با مطالعه و دقت در خصوصیات آیات و شواهد تاریخی و روایات تفسیری و آثار دنیوی و اخروی سوره و سنجش عقلانی، به کشف چهره اصلی سوره و پیام محوری آیات دست یابد و آن را با شواهد فوق، برای دیگران تبیین و تفسیر کند. و لکن مفسران به طور عموم تنها آیات را تفسیر کرده‌اند و در تفسیر سوره چیزی نگاشتند و به آن نزدیک نشده‌اند که برای آن دو جهت را می‌توان یاد آور شد.

۱. جاذبه و درخشش آیات فرصت مطالعه در سوره‌ها را گرفته است و مهلت پرداختن به آن را نداده است. مانند اینکه جلوه‌ها و زیبایی گلهای باغ فرصت فکر کردن در شرایط کلی تر را از انسان بگیرد.

۲. سادگی تفسیر آیه و دشواری تفسیر سوره، زیرا در تفسیر سوره مفسر باید از افقی برتر به مطالعه آیات پردازد و نگرشی انبوه بین و کلی‌نگر را در تفسیر بکارگیرد. و چنین بینشی از گرد آوردن مجموع آیات و احاطه به مفهوم آنها حاصل می‌شود و این کار آسانی نیست که از همگان ساخته باشد. و در روایاتی که تفسیر قرآن را دشوار و دور از عقل مردم دانسته‌اند شاید مراد همان تفسیر سوره و کشف پیام اصلی آن باشد، زیرا تفسیر آیه که بیان معنای لغوی و تاریخ و شأن نزول باشد آن قدر دشوار نیست که عقل انسانها به آن نرسد.

لازم به یادآوری است که تفسیر سوره، کشف چهره واقعی آن است که با آن می‌توان همه دگرگونیها و چگونگی آیات را توجیه و تبیین کرد و لذا نباید آن را با فشرده نویسی و گردهم آوردن مفاهیم آیات اشتباه کرد و آن را به عنوان اغراض اصلی سوره دانست.

جایگاه علمی

بعد از طرح مباحث گذشته و با توجه به وسعت و گستردگی مباحث، این سؤال مطرح می‌شود که این مباحث از مسایل کدام علم است و در کدام یک از علوم دینی باید بررسی و گفت و گو شود؟

در پاسخ باید گفت که «تفسیر و شخصیت سوره» دارای دو جنبه است و دو نوع بحث دارد که به هر جهتی داخل در علمی می‌گردد.

۱. کلیات: شامل مباحثی از قبیل: تصور اصل بحث، دلایل اثبات، فواید و آثار، ابزار کشف، قوانین و ضوابط تفسیر سوره و طرح مباحثی از این قبیل که جز مباحث علوم قرآنی است و در آن جا باید بررسی و درباره آن گفت و گو شود، زیرا علوم قرآن عهده دار مباحثی است که در فهم و برداشت صحیح از قرآن کریم دخالت و تأثیر دارد، مانند مباحث قرآء و قرائتها، عدم تحریف کتاب، محکم و متشابه، اسباب نزول، مکی و مدنی و در میان مباحث علوم قرآنی ... بحثی می‌توان یافت که بسان بحث «شخصیت سوره» در جوانب مختلف فهم قرآن مؤثر باشد.

از این نظر می‌توان آن را از مهم ترین بحثهای علوم قرآن محسوب کرد و از جهت نتایج و آثار بی نظیر دانست.

۲. انطباق: آنگاه که مفسر به مطالعه آیات و خصوصیات آنها پردازد و با شواهد روایی و تاریخی و سنجش های عقلانی در صدد کشف پیام سوره برآید، در حقیقت مباحث کلی را بر سوره ها منطبق ساخته است و این نوع بحثها خود یک نوع تفسیر است که در آن اهداف و مقاصد سوره ها کشف و ارائه می‌گردد. بنابراین بحث از «شخصیت و تفسیر سوره» از جهت تطبیق مباحث کلی بر سوره ها و استنتاج پیام سوره ها جزء مباحث تفسیر می‌باشد و در عنوان پیشین گفته شد که شاید تفسیر واقعی و حقیقی آن باشد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ۲۳۸/۹۲.

۴. همان، ۲۳۶/۶۲.

۵. همان، ۲۲۷/۹۲.

۶. همان، ص ۲۴۲.

۷. همان، ص ۲۳۶.